

## سیزده بدر

(سیزدهم نوروز)

یا

روزستایش، سپاس و بستن پیمان عشق

سیزدهم فروردین ماه (حمل) در گنجینه باور های نیایی مردمان سرزمین ما یکی از خجسته ترین روز های شاعرانه و آمیخته با باران عشق و مهر به شمار می آید. این روز بیشتر روز راز و نیاز عاشقانه هایی دختران و پسران جوان و روز طلب یاری در گشایش مشکلات از فرشته های آب و سبزه و باران است. در گاهنامه پیش از اسلام، چنانکه در ستایشنامه جشن سوری نوشته ام، هر روز یک ماه به نام یکی از فرشتگان خدا مسمی گردیده است. سیزدهم روز هر ماه به نام تیر که در زبان بلیکایی (بخدی) در اوستا تیشتریه یاد گردیده، موسوم می باشد. تیشتریه (تیر) فرشته باران است. همچنان تیشتر یکی از ستاره هایی درخشان است که در ادبیات زرتشتی لقب سرور ستارگان به وی از سوی اهورا مزدا داده شده است. در فرهنگ نامهای اوستا که هاشم رضی آن را تألیف نموده نوشته آمده است که: «تشت تنها فرشته باران نیست، بلکه همواره بر احوال زمینیان ناظر است و برای نیکان و ستاینندگان خود نعمت های زیاد و خرسندی می آورد. ستاره ایست که با درخشندگی فراوان، با روشنی صاف و سپید در آسمان می درخشد. با فروباریدن باران بروی زمین، خاک تفته را سیراب می سازد و شهرهایی را که از گرمای تابستان نزار و بیمارند، شادمانی و سرخوشی می بخشد»

در فرهنگ تازیان روز سیزده روز نحس به شمار می آید حتی عیسویان نیز عدد سیزده را نحس می شمارند تا جایی که مثلاً سیزده نفر دور یک سفره جمع نمی آیند. ولی در فرهنگ پاکیزه و عرب نازده ای مردم خراسان، چون هر یک از روز ها به نام یکی از فرشته های خدا مسمی می باشد بدین لحاظ فرشته ها را نحس نمی خواندند و همه روزهای سال را گرامی می داشتند. به ویژه که سیزدهم هر ماه به نام سرور فرشتگان یعنی تیشتر مسمی می باشد که فرشته باران و نعمت افزا است.

به هر حال، روز سیزدهم فروردین را "سیزده بدر" می گویند. اکثر از خانواده ها در پیش از اسلام در کشور ما از این روز تجلیل دلنشینی و با شکوه می نمودند. این تجلیل در ذات خویش بر پایه بزرگ داشت از دوازده روز جشن نوروز بود.

جشن نوروز دوازده روز بوده است:

مطابق سنت از جشن نوروز، طی دوازده روز تجلیل به عمل می آمده. این بدان سبب بود که از یک نوروز تا نوروز دیگر یک سال می گذرد. از پی هر نوروز دوازده ماه می آید. به منظور اینکه هر دوازده ماه سال را از پیش خیر مقدم گفته و به فال نیک گرفته باشند، یک روز را به نام هر ماه در جشن نوروز افزودند، که مجموعاً می شود دوازده روز. روز سیزدهم فروردین را پایان جشن نوروز و روز ستایش و نیایش و سپاسگزاری تعیین نمودند. سنت چنین بوده که در این روز یعنی سیزدهم فروردین، خانواده ها به مرغزار ها، لاله زار ها و بوستان ها می رفتند که عموماً کنار دریا ها و رود ها و جوی ها واقع می بود. در چنین بستر های سبز و دل انگیز و شاداب و در نور آفتاب جهان تاب، بزرگان خانواده ها به طور خاص نماز شکرانه در نمازگاه های سبز به پیشگاه خداوند بجا می آوردند و از اهورامزدا (خداوند بزرگ) سال پر برکت، سبزو شادی بخشی را آرزو می نمودند.



از سویی دیگر چون این روز را به نام فرشته باران می شناختند، سبزه که تجلی باران و نماد آسایش، خرمی و وفور نعمات به شمار می آید برای به ویژه جوانان ارزش باوری شاعرانه داشت. چنانکه اگر بزرگان خانواده ها در این روز در نماز ها خویش برای آبادانی خود و خانواده و جامعه خود نماز شکران می خواندند و ستایش خداوند را بجا می آوردند، جوانان و به ویژه دوشیزگان با حُجُب و حیایی دخترانه خود، بدور از دید دیگران دسته دسته و یا گاهی به تنهایی در گوشه از مرغزار و یا بستان با خانواده رفته بودند، دو شاخه از سبزه، نماد از باران رحمت، خوشبختی و خرمی را گرفته با هم گره می زدند، هنگام گره زدن دوشاخه سبزه، آرزوی خویش را در دل نیت می کردند. پس از آن کنار رود یا جویی رفته سبزه ای گره کرده را به آب می انداختند و از آب میخواستند که در باز شدن و یا گشایش گره یا "مشکل" شان یاری برساند. یعنی فرشته آب آن گره را باز نماید.

روایان حکایت از آن دارد که بیشترین گره هایی که در آب انداخته می شد، گره ها در کار عشق و عاشقی بوده است ( که عشق آسان نمود اول ولی افتاد مشکلها) و نیت ها، نیت رسیدن عاشق به معشوق بود و یا پیدا شدن و پیاده شدن شهزاده بخت بر سرای و تخت شهرستان امید ها . چنانکه مسعود سعد سلمان گفته:

**ای نگار تیر بالا روز تیر – خیز و جام باده ده بر لحن زیر  
عاشقی در پرده عشاق گوی – راه های طبع خواه دل پذیر**

این خواست ها و نیاز و دعا ها بنا بر روایت های آیینی ریشه در چشمه گاه رازهای آفرینش و نخستین پیوند زناشوهری در جهان داشته است . در ادبیات آیینی و اساطیری کیومرث اولین بشر به شمار می آید که در اوستا بارها از او نام برده شده است. مشی و مشیانه که پسر و دختر کیومرث بودند در روز سیزدهم فروردین با هم پیمان زندگی می بندند که اولین ازدواج بشر به شمار می آید. پیمان عقد آنها را گره زدن دو شاخه سبز تشکیل می داده است. از این رو گره زدن دوشاخه سبز نماد پیوند دودلداده و احترام به اولین پیوند زناشوهری بشر به شمار می آید. به همین خاطر بوده که در این روز دختران و پسران که با هم نامزد هستند در حالیکه یکی بسوی دیگر گل لبخند عشق می پاشند همزمان سبزه گره میزنند و سوگند وفاداری یاد می کنند.



گفتنی است که در فرهنگ سامی اولین ازدواج بشر که پسر و دختر آدم و حوا می باشد توأم با خون خشونت بوده و موجب شده که یک برادر بدست برادر دیگر کشته شود. چونکه یک خواهر زیبا تر نسبت به خواهر دیگر بوده و هر دو برادر آرزوی ازدواج با خواهر زیبایی خود را داشتند. چنانکه یعقوبی در جلد اول تاریخ خویش در صفحه 5 می نویسد: «... آدم با هوا در آمیخت پس حوا بار دار شد و پسری و دختری زانید. آدم پسر را "قابیل" و دختر را "لوپذا" نام کرد. بار دیگر حوا باردار شد و پسری و دختری آورد و آدم پسر "هابیل" و دختر را "اقلیما" نام نهاد و چون فرزندان آدم بزرگ شدند و به نکاح رسیدند آدم به حوا گفت قابیل را بگو با اقلیما ازدواج کند و هابیل را امر کن لوپذا را بگیرد.

از این رو قابیل بر هابیل که خواهرش را به زنی گرفت حسد ورزید.»

بعداً در اثر این حسادت، قابیل هابیل را می کشت که جای این قصه اینجا نیست.

در سیزده بدر در حالیکه دوشیزگان و پسران جوان مست شراب زیبایی ها و امیدواریها به آینده قشنگ و بهارگونه می بودند چنانکه نظامی گنجوی می گوید:

بنوروز جمشید و جشن سده  
که نوگشتی آیین آتشکده  
زهر سو عروسان نادیده شوی  
ز خانه برون تاختندی به کوی  
رخ آراسته دستها پر نگار  
به شادی دوید ندی از هر کنار  
مغانه می لعل برداشته  
به یاد مغان گردن افراشته  
ز برزین دهقان و افسون زند  
بر آورده دودی به چرخ بلند  
همه کار شان، شوخی و دلبری  
گه افسانه گویی، گه افسونگری  
فروشته گیسو، شکن در شکن  
یکی پایکوب و یکی دست زن  
چو سرو سهی، دسته گل به دست  
سهی سرو زیبا بود گل پرست  
سر سال، کز گنبد تیز رو  
شماری جهان را شدی روز نو  
یکی روز شان بود، از کوی و کاخ  
به کام دل خویش، میدان فراخ  
شرفنامه نظامی گنجوی

کدبانوان، غروب و یا عصر آن روز یعنی پیش از هنگام بازگشت به خانه های خویش، هر کدام با شوهران و بزرگسالان خانواده، مقداری از هفت سین (هفت میوه) را که قبلاً برای نذر در پیاله جداگانه با خود داشتند، کنار جویی و یارودی آمده هفت سین را پس از خواندن دعا و ستایش خداوند به آب می ریختند و بدینگونه از خداوند بزرگ خواستار سال پر میمنت و نیکوی می شدند.

به این ترتیب با ریختن هفت سین به آب و ستایش و نیایش به بارگاه خداوند و انجام سرود و ساز و رقص، مراسم جشن نوروزی را روز سیزدهم فروردین ماه پایان یافته اعلام می نمودند و زندگی روال عادی خویش را فردای آن روز از سر می گرفت.

به هر روی، در فرهنگ نیایی و جمشیدی جامعه ما مفاهیم و معانی نمادینه ای برای آیین سیزده بدر ارائه گردیده است. که از جمله، شادبودن و خندیدن در این روز نشانه نفرین کردن بر اندوه و ماتم می باشد. زیرا اندوه و ماتم در فرهنگ اهورایی مظهر اهریمن پنداشته می شود. دیگر ربوبی است که نماد یکی شدن و وحدت و محبت بوده،

هم چنان گسترده سفره در مرغزار و بستان ها از سوی خانواده ها نشانه ستایش طبیعت به شمار رفته و به آب افگندن هفت سین نشانه هدیه بخشیدن به فرشته آب "اناهیتا" بوده است.

در رابطه به دادن هدیه به فرشته آب "اناهیتا" در فرهنگ اساطیری مردمان باخترزمین ثبت است که بیشترین از شاهان پیشدای و کیان بلخی، حتا شخص پیغام آورخدا زرتشت بزرگ، اکثراً برای فرشته آنها اناهیتا هدیه و نذر داده اند. چنانکه گفته شده که جمشید بر فراز کوه هراهریتی، فریدون برای مسلط شدن بر ضحاک نیز در همانجا، هوشنگ پیشدای بلخی در کوه هرا، نریمان گرشاسپ در کرانه دریاچه پیشینه، افراسیاب در پهنه دریای فراخکرت، کی کاووس بر فراز کوه ارزیفیه و شخص پیغام آور خدا در کنار رود ونگوهی دانی تیا (آمو) اناهیتا را ستایش نموده اند و هدیه ها و نذر ها داده اند و از او درخواست کرده اند که از اهورا مزدا بخواهد تا در آرزو های شان، ایشان را کامیاب گرداند، که طبق روایت هایی اساطیری اکثراً به آرزو های خود نایل آمده اند.

همچنان گره زدن سبزه نشانه عقد و پیمان عشق و زناشویی و نیز استعدایی باز شدن بخت شمرده می شد. مسابقه { بزکشی } اسب دوانی در این روز نیز یادگار جمشیدی بوده و در واقعیت نماد جدال و پیکار تیشتریه (تیر) فرشته باران با دیو خشکسالی به حساب می آمده است. معمولاً مسابقه بزکشی در قدیم ها در روز سیزدهم فروردین ماه صورت می گرفته است که در پهلوی معنی اول به مفهوم پیام ختم جشن نوروز نیز بوده است. باید گفت که امروز تنها ایرانیان چه در داخل آن کشور با وجود مخالف آخذ ها و چه در خارج از کشورشان از این روز با فر و شکوه تجلیل به عمل می آرند. در افغانستان از این روز از سده ها بدینسو است که نام و نشان وجود ندارد. در تاجیکستان و ازبیکستان و بخش های از پاکستان برخی از خانواده این روز را تجلیل می کنند، اما ناسگالیده بدون آنکه از مفهوم واقعی آن اطلاع داشته باشند. اما خوشبختانه در پسینه سالها جوانان شهر های بامیان، هرات، بلخ، بدخشان، ننگرهارو کابل نیز، تا جایی که اطلاع حاصل شده است خانواده ها را تشویق و ترغیب نموده اند که دسته جمعی در روز سیزدهم ماه فروردین به مرغزارها رفته میله و شادی نمایند و بدین ترتیب از این روز تجلیل می نمایند.

امید می رود این روز خجسته که یادگار فرهنگ نیایی مردم سرزمین ما به شمار می آید بار دیگر شکوه دیرینه خویش را به همت دانش و بینش خردبار جوانان باز یابد.

در مورد اینکه چرا و چه وقت نوروز را چهل روز خوانده اند باید گفت که این امر بر می گردد بر تفکر تحمیل آیین عزاداری بر آیین جشن و شادی و خنده که روی این موضوع در جلد چهارم کتاب "نام و ننگ یا تولد دوباره خراسان کهن در هزاره نو" از سوی این قلم بحث به عمل آمده است. خرد یار و مددگار همه





تصویر ها بر گرفته شده از سایت ها می باشد.